

خاطرات «عمو کاووس» از «خط مقدم»

«ماشاء... وروایی» بازیگر سریال «نون خ» و خلبان باز نشستہ ار تش از خاطراتش در جبهہ‌ها اجرای نمایش در حضور شهید شیرودی برای رزمندگان، گذراندن دورہ‌های کماندویی و ... می‌گوید

ZENDEGI-SALAM

ضمیمہ روزنامہ خراسان

چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۲

۲۸ رمضان ۱۴۴۴ ۱۹ آوریل ۲۰۲۳

شماره ۳۱۱۹۲

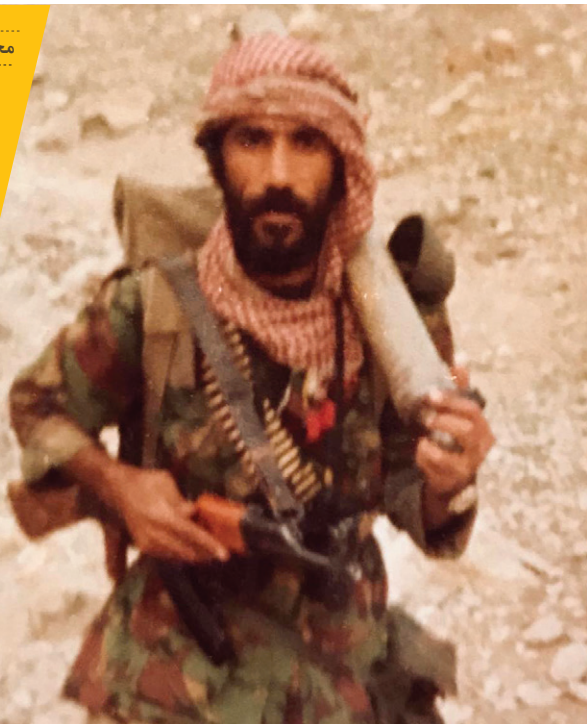
۲۴۱۲



مجد حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

یکی از پربیننده ترین سریال های نوروزی ۱۴۰۲ که از شبکه یک سیما پخش می شود، مجموعه تلویزیونی «نون خ» است. «ماشاء... وروایی» یا همان عمو کاووس سریال «نون خ» که از فصل اول این سریال مورد توجه قرار گرفت، با لهجه شیرین و هنر نمایی های جذاب خود تبدیل به یکی از محبوب ترین باز یگران این مجموعه تلویزیونی شده است. او متولد ۱۳۲۹ در کرمانشاه و از مهندس های پرواز جان بر کف هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس است که تصاویر حضورش در جبهه در شبکه های اجتماعی پربازدید شده است. عمو کاووس حالا یک چهره شناخته شده در عرصه بازیگری است که باز نشستہ ارتش جمهوری اسلامی ایران با درجه سرنگی است. به همین بهانه و در پرونده امروز زندگی سلام با او درباره بخشی از زندگی اش که کمتر به آن توجه شده یعنی حضورش در جبهه، خاطراتش از آن دوران، عملیات هایی که در آن شرکت کرده و ... گفت و گو کردیم.



رمز محبوبیت «نون خ»، سبک زندگی گردهاست

این قدر سمت زندگی های ماشینی رفتند دلایل محبوبیت سریال «نون خ» که هم اکنون فصل چهارم آن در حال پخش است، می گوید: «این سریال جزو برنامه های عامه پسند محسوب می شود مخصوصا اهالی استان هایی مثل کرمانشاه، لرستان، ایلام، همدان، کردستان و ... با خمیرمایه و داستان این فیلم احساس نزدیکی می کنند. فرهنگ های آن ها فوق العاده به چیزی که در این فیلم می بینیم، نزدیک است بنابراین به نظر من بیشترین استقبال را هم همین ها داشتند. البته ما عزیزانی از سیستان و بلوچستان، از جنوب تا شمال ایران هم داشتیم که واقعا با این سریال ارتباط برقرار می کردند. یکی از ویژگی های منحصر به فرد این سریال، صداقت گفتار و رفتار و اعمالی است که در آن به نمایش گذاشته شد و رمز محبوبیتش هم این است که سبک زندگی کردارادر حد توان به نمایش گذاشت. مردم

«وروایی» در ابتدای صحبت هایش درباره دلایل محبوبیت سریال «نون خ» که هم اکنون فصل چهارم آن در حال پخش است، می گوید: «این سریال جزو برنامه های عامه پسند محسوب می شود مخصوصا اهالی استان هایی مثل کرمانشاه، لرستان، ایلام، همدان، کردستان و ... با خمیرمایه و داستان این فیلم احساس نزدیکی می کنند. فرهنگ های آن ها فوق العاده به چیزی که در این فیلم می بینیم، نزدیک است بنابراین به نظر من بیشترین استقبال را هم همین ها داشتند. البته ما عزیزانی از سیستان و بلوچستان، از جنوب تا شمال ایران هم داشتیم که واقعا با این سریال ارتباط برقرار می کردند. یکی از ویژگی های منحصر به فرد این سریال، صداقت گفتار و رفتار و اعمالی است که در آن به نمایش گذاشته شد و رمز محبوبیتش هم این است که سبک زندگی کردارادر حد توان به نمایش گذاشت. مردم

سوله های جبهه برای

تماشای نمایش ها

جای سوزن انداختن نبود

این بازیگر ۷۳ ساله در کنار نظامی گری به عنوان فعال فرهنگی با بچه های ارشسی، نمایش هایی را هم در جبهه ها روی صحنه برده است. خودش در این باره می گوید: «در آن فضای سخت جنگ، دهه نمایش کار در دست که سرباز و درجه دار و افسر از شدت خنده در زمان تماشایش ریسه می رفتند، می بردیم در منطقه عملیاتی و در سوله هایی که مملو از جمعیت می شد و جای سوزن انداختن نبود، اجرا می کردیم. این نمایش ها با آن امکانات جبهه ای بود و این که هر لحظه امکان اصابت موشک و ... وجود داشت اما من و بقیه بچه ها هدف داشتیم. ما برای روحیه دادن به رزمندگان می رفتیم و نمایش اجرا می کردیم و همین باعث می شد که هر سختی را تحمل کنیم.»

[...]

در آن فضای سخت

جنگ تحمیلی، دهها

نمایش کار درست

که سرباز و درجه دار و

افسر از شدت خنده در

زمان تماشایش ریسه

می رفتند، می بردیم

در منطقه عملیاتی

برای روحیه دادن به

رزمندگان

شهید شیرودی

صدای خیلی خوبی داشت

او درباره حال و هوای اجرای نمایش ها در جبهه هم می گوید: «شهدای زیادی در جبهه ها بودند که پای این نمایش ها می نشستند. مثلا شهید شیرودی ضمن این که سرآمد و جزو دلآورها های هوانیروز بود، دستی در هنر داشت و صدای خیلی خوبی داشت. او در اجرای نمایش ها به ما کمک می کرد. آن جاقبل از اجرای نمایش ها می گفتیم هر فردی هنری دارد، ما را مطلع کند و از وجودنازنین شهید شیرودی هم در اجرای نمایش ها استفاده می کردیم. جالب است بدانید بعضی اجراها قبل از عملیات های سنگین، روحیه زیادی به رزمنده ها می داد. گاهی چند ساعت بعد از اجراها هم، شهید شیرودی نیروهایش را به خط می کرد و به دل دشمن می زد. یعنی در عین این که هنرمند بود و روحیه لطیفی داشت، یک دلار و به تمام معنا هم بود و هیچ ترسی از دشمن در دلش راه نداشت. او و شهید کشوری، ضربه های بزرگی به صدام زدند که در یک عملیات، ۸۰ یا ۹۰ تانک را به آتش کشیدند. شهید شیرودی یک دغدغه مهم هم داشت و در اجراها پیشنهاد می داد که پیروزی های جبهه انقلاب را هم به نمایش بکشیم و گاهی آن ها را تقایی می کردیم که در فلان عملیات، چه اتفاقاتی افتاده است یا روایت های دست اول و اختصاصی. این اجراها هم طرفدار زیادی در جبهه داشت.»



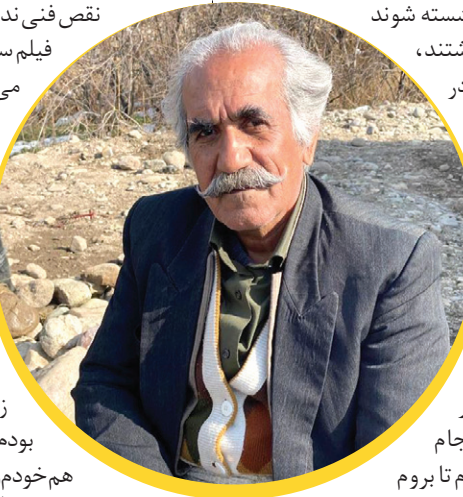
در بیشتر عملیات های غرب کشور حضور داشتیم

از او درباره حضورش در جبهه می پرسیم که علاوه بر بخش مهندسی - رزمی هوانیروز، مدتی هم به عنوان گروه ضربت در چندین عملیات مختلف حضور داشته است. در این باره می گوید: «من دوران دفاع مقدس در بیشتر عملیات های غرب کشور حضور داشتیم. از عملیات بازپس گیری میمک که اولین عملیات مهم و نسبتا گسترده به فرماندهی ارتش در سال ۱۳۵۹ بود که انجام شد بگیرد تا ماجرای بمباران ناچوانمر دانه پادگان ابوذر در منطقه سرپل ذهاب که سرباز های عزیز زیادی را شهید کردند و من از نزدیک شاهد بودم. پادگان ابوذر جزو مناطقی است که باید با وضو در آن جاحاضر شد و با ذکر صلوات در آن جاقدم زد. البته من قصر شیرین هم بودم. نکته مهم درباره جنگ تحمیلی که شاید کمتر برای نوجوان ها و جوانان امروزی گفته شده، این است که صدام برای پیروزی در جنگ به نیروهایش بنز می داد و ما این جا با شیرینی و صلوات از رزمنده ها می خواستیم که در برابر دشمن تا دندان مسلح بایستند که با رشادت های شان به خوبی از این آزمایش سر بلند بیرون آمدند. این را هم بگویم که من خودم هم در کنار نیروهای ارتشی بودم و هم عزیزان بسیجی که آموزش های زیادی ندیده بودند، بر خودم وظیفه می دانستم که آموزش های لازم را به آن ها بدهم.»



آرزو داشتیم که روزی کماندو شوم

«خیلی جاها به اشتباه گفتند که من به عنوان خلبان در ارتش حضور داشتم اما من مهندس پرواز بودم. هر بالگردی که پرواز می کند، خلبان یک و خلبان دودار دیک، مهندس پرواز و مهمان هایی که در آن جاهستند. من به عنوان کارشناس فنی در پرواز ها حضور داشتم و البته قبل از هر پرواز هم باید بالگرد را بررسی می کردم تا نقص فنی نداشته باشد. او درباره این که در ۱۲ سالگی با دیدن یک فیلم سینمایی کماندویی تصمیم گرفته یک روز کماندو شود، می گوید: «در ۱۲ سالگی یک فیلم سینمایی دیدم، یک سری کماندو در آن بودند که خیلی از آن ها خوشم آمد. بعدش که از سینما بیرون آمدم، گفتم که ماشاء... یانمی روی خانه یا اگر رفتی باید عزم خودت را جزم کنی که یکی از آن ها بشوی. گذشت تا این که سال ۱۳۴۷ در ۱۸ سالگی وارد ارتش شدم. در آن جادوره نجر، کوهستان، جنگل، باتلاق، غواصی، دریای... را گذراندم تا کماندو شوم و به آرزویم برسم. من چون جسارت خاصی داشتم و از لحاظ زونی سبک بودم، در چتر بازی هم موفقیت های زیادی کسب کردم. بعد از انقلاب در کرمانشاه اولین کسی بودم که باشگاه ورزشی هوایی را راه اندازی کردم و با پاراگلایدر هم خودم هم خانم پرواز می کردیم و خیلی از علاقه مندان به پرواز با کمک من به این آرزویشان رسیدند.»



نظم زیاد و دقت

در خون من است

او که ۳۰ سال در ارتش خدمت کرده، عاشق هنر و بازیگری بوده، در جبهه ها حضور داشته و ... در باره بارز ترین ویژگی های شخصیتی اش می گوید: «همه مردم ۳۰ سال خدمت می کنند تا باز نشستہ شوند اما آن قدر من را دوست داشتند، مجبورم کردند ۲۳ سال در ارتش خدمت کنم و بعدش باز نشستہ شدم. ۲۳ سال زندگی به سبک ارشسی ها، در خون آدم می رود و نظم و دقت زیادی را به شما دیکته می کند. من هنوز هم هر روز راس ساعت ۵ از خواب بیدار می شوم. این ها در ذات من و با من است. اگر کاری قرار باشد برای خانه انجام شود، شخصا داوطلب می شوم تا بروم خرید را انجام بدهم.»

۳ ویژگی کرمانشاهی ها زبازد است

او در بخشی از صحبت هایش می گوید: «من متولد کرمانشاه هستم، در یکی از محله های پرسابقه و قدیمی آن جا به دنیا آمدم. ۳۰ تا ویژگی دارند اهالی کرمانشاه که زبازند است. خصلت پهلوان منشی، مهمان نوازی و ناموس داری، جزو شا کله های اصلی مردم کرد است. کردها سپر دفاع از کشور و مردم

که به ناموس شان آزار برسانند و آن ها را اذیت کنند، ناموس شان را به دست این پهلوان های شهر می سپردند و با خیال راحت به زیارت می رفتند. بعضی از این افراد هم البته در همین جا ماندگار می شدند، مثل مرحوم آیت... اشرفی اصفهانی که شهید شدند. ایشان به خاطر فرهنگ مردم کرمانشاه در همین جا ماندگار شدند.»

در دسر های فیلم برداری در اوج کرونا

می گوید: «نون خ از آن دست سریال هایی است که با سختی زیادی ساخته شد. از شرایط اجتماعی کشور و مسائلی که امسال پیش آمد، بگیرد تا فصل های گذشته که با کرونا روبرو بودیم. ما باید تمام وقت ماسک می زدیم و فقط برای گفتن دیالوگ، ماسک ها را در می آوردیم. دو تا تیم پزشکی با آمبولانس در تمام دقایق ساخت فیلم در کنار ما بودند و مدام از ماست می گرفتند. علاوه بر این ها، فیلم برداری نون خ در پاییز و سرمای زیاد زمستان انجام می شد که همین هم یکی دیگر از سختی های ساخت این سریال بود. یکی دیگر از اصلی ترین نقاط قوت سریال نون خ هم به نظر من در حوزه موسیقی است به گونه ای که بسیاری از ترانه و آواز های کهن موسیقی کردی را پخش می کند.»

با کار های نمایشی باعث خوشحالی سرباز ها

در پادگان ها می شدم

او در زمانی که دانش آموز دوره دبیرستان بوده با تئاتر های دانش آموزی وارد کار هنری شده و به خاطر علاقه ای که به سینما و هنر داشته، دوره های آموزش بازیگری را هم گذرانده و سپس وارد گروه نمایش فرهنگ و هنر کرمانشاه شده است.

خودش درباره شروع فعالیت های هنری اش از دوره نوجوانی می گوید: «ما اجرا برمی گردید به سال ۱۳۳۷ یا ۱۳۳۸ که من در کرمانشاه با تئاتر آشنا شدم. آن موقع شور و شوق زیادی داشتم و سینما روی قهاری هم بود یعنی دلبستگی زیادی به فضای هنری داشتم. البته همه انسان ها به هنر علاقه دارند و من هم این شدت علاقه را به انجام کار های نمایشی



....